

ایران در سایه ما فردا

(این نوشتار به وحی الهی ست)

ما پروردگار عالم هستی از روزی که فرزندان شهریار ولی را به ظهور میخوانیم سایه خود را بر آسمان ایران اهورائی میگسترانیم. شهریار امشب در حالتی بسر میبرد که از ندانستن آنچه برایش در ذخیره است در آزار میباشد. ما پدر آسمانی بی هیچگونه قصدی برای آزار فرزندان بنا بر مشیّتی که داشتیم ظهورش را تا فردا بتأخیر انداخته ایم. ایرانیان مدّتی ست در این آرزو بسر میبرند که رهبری بر صحنه سیاسی عرض اندام نموده به سردرگمی و تشططی که در بین مخالفین حکومت ملایان موج میزند پایان بخشد. افرادی خود را مشروطه خواه میدانند، دیگرانی ملی گرا، جمهوری خواه یا چپ گرا، و فرقه ای نیز هنوز در امید اصلاح حکومت ملایان سیر میکنند. در میان این گروهها شهریار ولی نظر خود را بیشتر به ملی گرایان نزدیک میابد و از اینکه افرادی با هر شعاری به کیان کشوری که تاریخ و فرهنگی شکوهمند در اختیار دارد خیانت ورزند دل آزده است. ما پروردگار عده ای از این خائنین را در وب سایت شناسایی کرده ایم ولی تعدادشان بحدّی ست که نام بردنشان طوماری بلند میطلبد. در فردای ظهور بسیاری از این سیهکاران که با قلم شهریار ما شناسایی شده اند در کورسویی که برای خود افروخته اند به زندگی ادامه خواهند داد. اینان دیگر در نظر ملتّی که رهبر و امام خود شهریار ولی را عاشقانه دوست دارند ارج و قربی نداشته باید در سایه و در میان نگاههای نفرت آلود هموطنانشان بسر برند. البته شهریار ولی همپای ما پروردگار دلی پررحمت در سینه دارد و در صورتیکه هر یک از این خیانتکاران از کار و عمل خود اظهار ندامت نمایند جای آن دارد که از بخشش و چشم پوشی شهریار که همانا بخشش ما را معنی میدهد برخوردار گردند. اما چنانچه با بی شرمی به حرکات خیانتکارانه و رذیلانه خود ادامه داده خود را در برابر شهریار ما قرار دهند دیگر نمیتوان از گناه فاحشی که صورت میدهند گذشت نمود و تنها با این کار آتش دوزخ را بر خود تیزتر میسازند. شهریار در این نوشتار حقیقتی را در میابد و آن اینست که ما پروردگار با اتمام این جمله پایان کارهای نگارشی فرزند را نوید میدهیم. این همچنین بمنزله دادن اذن ظهور به فرزند و نواختن نمادین ناقوس ظهور در عالم

قدس میباشد. عشق را در همه عظمتش از قلب کسی بجوئید که آسمان و زمین از فیض او در گردشند و کهکشانها به روادید او در قبض و بسط بسر میبرند. حال نفسهایی را که از فیض شهریار ما در ریه هایتان آمد و رفت دارند در سینه حبس کنید چرا که دنیای شما در شرف زیر و زبر شدن میباشد. عالم اینرا بداند...